

The Ethics of Scientific Debate in the Sīra of Imam Reza (PBUH)

Mahdi Alizadeh*

Vahid Dehghani Firuzabadi**

Abstract:

In this article, with the purpose of explaining the most important and fundamental ethical values that are necessary and essential for defining a basic framework and the correct model of scientific debate and dialogue, we have analyzed the Sīra of Imam Reza with a descriptive-analytical method. So, the question is what general form of educational model of scientific debate, in different areas of value, we will get by probing and studying the relationship between Imam Reza and his opponents, religious scholars and followers of different religions? The research findings show that in the obtained pattern, on the one hand, sincerity and the necessary knowledge and expertise are considered as the most important ethical-professional requirements before entering the debate ;On the other hand, honesty, justice and fairness, endurance, tolerance and modesty are among the most important moral-professional requirements during the debate, including the values and ethical principles that must always be taken into consideration by the parties, and they should not go out of the way of those values and principles.

In the area of scientific ethics and behavioral norms during the debate, respect and appreciation, listening comprehension and understanding of the audience's purpose, speaking as readily understood, reasoned and Documentary talking, form the third dimension of the ethical-professional requirements of the debate.

Keywords

Ethics, Debate, Scientific Debate, Sīra of Imam Reza (PBUH).



* Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Research Center.

** Ph. D Student, University of Islamic Teachings.

اخلاق مناظره علمی در سیره امام رضا علیه السلام

مهدی علیزاده*، وحید دهقانی فیروزآبادی**

چکیده

این نوشتار با هدف تبیین مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارزش‌های اخلاقی که برای تعیین و ترسیم یک چهارچوب اصلی و مدل صحیح مناظره و گفت‌وگوی علمی لازم و ضروری هستند به بررسی سیره امام رضا علیه السلام در این خصوص پرداخته است. بنابراین مسأله این پژوهش که با توصیفی تحلیلی انجام شده است، بررسی و بازخوانی سیره ارتباطی امام رضا علیه السلام با مخالفان، معاندان و پیروان سائر ادیان، در حوزه‌های مختلف ارزشی و دست‌یابی به یک مدل و الگوی تربیتی برای مناظره علمی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در الگوی به دست آمده، از یک سو اخلاص و برخورداری از دانش و تخصص لازم، به عنوان مهم‌ترین الزامات اخلاقی - حرفه‌ای قبل از ورود به مناظره مطرح می‌شوند و از سوی دیگر، صداقت، عدالت و انصاف، بردباری، سعه صدر و فروتنی، به عنوان محوری‌ترین الزامات اخلاقی - حرفه‌ای حین مناظره و از جمله ارزش‌ها و اصول اخلاقی‌اند که باید طرفین، در مدت‌زمان مناظره

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی.

alizadeh111@gmail.com

v.d.firoozabadi@alumni.ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲



همواره به آن توجه داشته و از مسیر آن خارج نشوند. در حوزه آداب علمی و هنجارهای رفتاری حین مناظره نیز، احترام و تکریم، حسن استماع و دریافتن مقصود مخاطب، سخن گفتن به اندازه فهم مخاطب، مستدل و مستند گویی، بعد سوم الزامات اخلاقی - حرفه‌ای مناظره را شکل می‌دهند.

کلید واژه‌ها

اخلاق، مناظره، مناظره علمی، سیره امام رضا علیه السلام.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان عطا کرده است، آموختن بیان است، چنانچه می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ خدای رحمان، قرآن را تعلیم داد انسان را آفرید، به او بیان آموخت. (الرحمن: ۱-۴) علامه طباطبائی در ذیل این آیه چنین می‌نویسد:

«تعلیم این بیان خود از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی و از بزرگ‌ترین عنایات خدایی به انسان‌ها است، آری اینکه خدای سبحان ابزار سخن گفتن را به ما داده و طرز آن را به ما آموخته تا آنچه در دل خود داریم به دیگران منتقل کنیم و به آن‌ها بفهمانیم که چه می‌خواهیم و چه می‌فهمیم، به راستی از عظیم‌ترین نعمت‌ها است.» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ص ۹۵)

آزادی بحث و انتقاد در مسائل مختلف علمی و مذهبی یکی از ویژگی‌های فرهنگ اصیل اسلامی است. در تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و همچنین سیره اهل بیت علیهم السلام موارد بسیاری یافت می‌شود که مخالفین با آن‌ها به مناظره و بحث و گفتگو می‌نشستند و نقدها و اشکالات خود را با کمال آزادی و صراحت بیان می‌نمودند بدون این که کوچک‌ترین اهانت و تعرضی نسبت به آن‌ها واقع شود. (ری شهری، ۱۳۷۲، ص ۱۱-۱۳) مناظره در کنار برهان و موعظه یکی از روش‌های



مبارزه با عقاید و باورهای نادرست و دعوت به راه حق و درست است؛ چنانچه در قرآن کریم خطاب به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث پرداز. (نحل: ۱۲۵) در قرآن، از این روش، با واژه‌های «جدال» و «مراء» تعبیر شده است. قرآن کریم از برخوردهای سالم اندیشه‌ها در مناظره که موجب روشن شدن حقایق و رشد باورهای صحیح می‌شود دو تعبیر ارائه کرده است: تعبیر اول، که در آیه مورد بحث آمده، «جدال احسن» و تعبیر دوم «مراء ظاهر» است. جدال احسن، سالم‌ترین و نیکوترین روش در مناظره برای روشن شدن حق است و مراء ظاهر، برخورد روشن و استفاده از ادله‌ای است که حجیت و قطعیت آن‌ها بر همگان آشکار باشد، به گونه‌ای که طرف مقابل نتواند به آن‌ها پاسخ بگوید.

تأثیر و نقش گفتگوها و مناظرات علمی در اقناع اندیشه‌ها و تبلیغ معارف اسلامی به گونه‌ای است که در قرآن کریم و سیره پیامبر و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام همواره مورد توجه و تأکید واقع شده است، چراکه یک گفتگوی علمی سالم و مطلوب، چراغ روشننگری است برای هدایت و سعادت انسان‌هایی که با فطرت پاک خویش در پی حقیقت و زدودن خس و خاشاک جهل و گمراهی از دل خویش هستند. شکوفایی اندیشه‌ها و رفع جهالت‌ها و شبهات فکری و اعتقادی در حوزه‌های مختلف و توسعه و گسترش فرهنگ اسلام، در پرتو مناظرات علمی، تنها با رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی امکان‌پذیر هست؛ چراکه در غیر این صورت، این گونه محافل، جز تکبر، خود بزرگ‌بینی، شکستن حرمت‌ها، دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها و پایمال شدن عزت و کرامت انسانی و گرفتاری در دام وسوسه‌انگیز مراء و جدال شیطانی، نتیجه‌ای در برنخواهد داشت.

در جامعه کنونی برای رشد کمی و کیفی مناظرات علمی، تبیین الگو و مدل یک گفتگو و مناظره مناسب و ثمربخش با توجه به تعالیم اسلامی و سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام،



امری لازم و ضروری است. برای نیل به این مهم نیازمند به بررسی و واکاوی اصول و ارزش‌های اخلاقی است که بر سیره ارتباطی آن حضرات عظام علیهم‌السلام با سائر مردم و از جمله مخالفان و معاندان و پیروان سائر ادیان حاکم بوده است. با سیری در حیات فکری پیشوایان دین و نهضت‌های علمی آن بزرگواران و بررسی خصوصیات و روش‌های رفتاری آن‌ها با پرسش‌گران و مخالفان، می‌توانیم به الگو و مدلی تعلیمی - تربیتی برای سبک و شیوه صحیح گفتگو و مناظره دست یابیم. بنابراین، مسأله این پژوهش این است که با بررسی و بازخوانی سیره علمی امام رضا علیه‌السلام، به چه طرح کلی از یک مدل و الگوی تربیتی برای مناظره علمی، دست می‌یابیم؟ البته با توجه به این که بررسی و تبیین تمام اصول، ارزش‌ها، بایدهای و نبایدهای اخلاقی حاکم بر مناظره علمی، نیاز به مجال و بحث بیشتری دارد، در این پژوهش برخی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارزش‌های اخلاقی که برای تعیین و ترسیم یک چهارچوب اصلی و مدل صحیح مناظره و گفت‌وگوی علمی لازم و ضروری هستند را با توجه به سیره امام رضا علیه‌السلام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. پیشینه بحث:

تاکنون پژوهش‌های متعددی در خصوص مناظره‌های امام رضا علیه‌السلام انجام شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی»؛ (رضازاده کهنگی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۷)؛ «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا علیه‌السلام»، (مجیدی، ۱۳۹۲: ص ۹)؛ «شیوه‌ها و ویژگی‌های مناظره امام رضا علیه‌السلام» (شریفی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۹) «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه بکارگیری آن در کرسی‌های آزاداندیشی»؛ (محمودی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۳)؛ «شاخص‌های اخلاقی در مناظرات رضوی»؛ (غفاری، ۱۳۹۶: ص ۱۰۳) اشاره کرد. اگرچه در برخی از این پژوهش‌ها به ارزش‌ها و اصول اخلاقی مناظره، نظیر حق‌جویی عدالت، انصاف، رعایت ادب و غیره اشاره شده است؛ اما در پژوهش



حاضر تلاش شده با توجه به مناظرات امام رضا علیه السلام، الگویی کامل تر و جامع تر از مهم ترین ارزش های و اصول اخلاقی مناظره ارائه گردد که شامل الزامات اخلاقی - حرفه ای قبل از مناظره، ارزش ها و اصول اخلاقی حین مناظره؛ و آداب علمی و هنجارهای رفتاری حین مناظره می شود.

۲. مفاهیم:

۲-۱. اخلاق کاربردی:

پژوهش های اخلاقی در یک نگاه به سه نوع توصیفی، فرا اخلاق و هنجاری تقسیم می شوند. اخلاق توصیفی صبغه ای تجربی دارد و به بیان و توصیف اخلاقیات افراد، گروه ها، تمدن ها و ادیان مختلف می پردازد. فرا اخلاق و یا اخلاق تحلیلی به طرح موضوعاتی اساسی و بنیادی در مورد گزاره های اخلاقی می پردازد. در اخلاق هنجاری، معیار فعل اخلاقی و احکام و الزامات اخلاقی مورد بررسی قرار می گیرد؛ یعنی در حقیقت یک نظام اخلاقی با بیان مصداق های مختلف از مفاهیم اخلاقی ارائه می شود. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ص ۲۵؛ مصباح، ۱۳۸۶: ص ۱۸) اخلاق کاربردی در حقیقت زیرمجموعه اخلاق هنجاری و به عبارتی همان اخلاق هنجاری، البته در حوزه خاصی از مسائل زندگی است؛ بنابراین اخلاق کاربردی کاربست مفاهیم اخلاقی در بخشی از زندگی است. اخلاق نقد، اخلاق مناظره، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاسی، اخلاق پژوهش بخش هایی از مبحث اخلاق کاربردی به شمار می آیند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۲۳)

۲-۲. اخلاق مناظره علمی:

از منظر برخی از لغت شناسان، مناظره (Dialogue) واژه عربی و از ریشه نَظَرَ، نَظَرًا، مَنظَرًا و مَنظَرَةً می باشد و اصل معنای «النَّظَر» دیدن با چشم است. مناظره در اصطلاح آن است که با طرف مقابل خود برای رسیدن به نتیجه در موضوعی مشخص به



گفتگو و سخن‌بنشینی. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ص ۲۱۵-۲۱۷) مناظره در ادب فارسی به معنای جدال کردن، باهم بحث کردن، باهم سؤال و جواب کردن، باهم نظر کردن، یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی، به کار رفته است. علم مناظره نیز علمی است که به وسیله آن آداب طرق اثبات مطلوب و نفی آن و یا نفی دلیل آن با خصم شناخته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ص ۲۱۵۶۳؛ عمید، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ص ۱۸۵۲) در دایره المعارف فارسی چنین آمده است که مناظره به معنی ستیز کردن با یکدیگر، دو شخص و یا دو چیز را باهم همانند کردن است و در ادب به معنای سخن گفتن و استدلال دو شخص درباره موضوعی است تا در این میان صواب و حقیقت درباره آن چیز مشخص شود و غلبه یک طرف آشکار شود و اگر بحث و گفتگو تنها به قصد غلبه بر دیگری باشد و نه کشف حقیقت، آن را مکابره می‌گویند. (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۲۸۵۹) برخی نیز مانند مرحوم مظفر مجادله و مناظره را به یک معنا گرفته‌اند و با ارائه تعریفی منطقی گفته‌اند: «مناظره گفتاری است بر اساس قواعد و قوانین مشهور، مسلم و مورد قبول طرف مقابل و با شیوه‌های علمی که با اقامه حجت و برهان، توان نقض و عدم قبول از طرف مقابل سلب می‌گردد.» (مظفر، ۱۳۸۸: ص ۳۸۲)

اما برخی دیگر مناظره را معادل مذاکره (Debate) گرفته و چنین تعریف کرده‌اند: مناظره گفت‌وگویی دوطرفه که راجع به مسائل اخلاقی، سیاسی، مذهبی، قانونی و نظایر آن به تبادل نظر می‌پردازند و در پایان قضاوت نهایی توسط فرد سومی به عنوان حکم، بیان می‌شود. (میرصادقی، ۱۳۷۳، ج ۴: ص ۴۳۷۴) بنابراین می‌توان گفت: «مناظره گفت‌وگویی دوطرفه است که در حضور داور و حکمی صورت می‌گیرد و هریک از طرفین با ارائه برهان و استدلال تلاش می‌کنند برتری عقیده خویش را بر دیگری اثبات نمایند.» (رزمجو، ۱۳۷۰: ص ۱۳۳)

با توجه به آنچه بیان شد؛ اخلاق مناظره، به مجموعه‌ای از مباحث اطلاق می‌شود که توصیف و تبیین بایدها و نبایدهای هنجاری حاکم بر سطح گفت‌وگوهای علمی



می پردازد. (رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۷۸؛ شریفی، ۱۳۸۴: ص ۲۴۳) به عبارتی اخلاق مناظره، ارزش‌ها و فضائل اخلاقی را که هریک از طرفین گفتگو ملزم به رعایت آن می‌باشند را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ ارزش‌های اخلاقی که در صورت عدم رعایت آن‌ها مناظره از هدف اصلی خویش که کشف حقیقت باشد دور می‌شود.

۳. الزامات اخلاقی _ حرفه‌ای قبل از ورود به مناظره

۳-۱. اخلاص در نیت:

در نظام اخلاقی اسلام علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی و نیت و انگیزه فاعل نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و به عنوان روح عمل و پایه و اساس فضائل اخلاقی معرفی شده است. توضیح اینکه در واقع کارهایی که از انسان صادر می‌شود، اگر ارادی و اختیاری باشند با نفس ارتباط دارند و در حقیقت منشأ این اراده توجه نفس است به آن شأن و کمالی که در اثر آن فعل برایش حاصل می‌شود؛ بنابراین کارهای بدنی از آن جهت برای نفس موجب کمال می‌شوند که از مسیر اراده و توجه نفس تحقق می‌یابد. انگیزه نفس برای انجام یک کار چیزی است که از خود نفس سرچشمه می‌گیرد. آن توجهی که نفس پیدا می‌کند و انگیزه می‌شود تا بدن را بکار گیرد و کاری را انجام دهد؛ همان است که به این کار ارزش می‌بخشد و این کار را مؤثر قرار می‌دهد تا کمال برای نفس حاصل شود. (مصباح، ۱۳۸۷: ص ۳۳۷)

پاک‌سازی نیت از شائبه‌های غیر الهی و سازماندهی کوشش‌های علمی در جهت اهداف الهی، در حقیقت از محوری‌ترین الزامات اخلاقی است که در حوزه علم و دانش‌اندوزی مطرح می‌شود، اما گاهی برخی از اهداف و اغراض دنیایی و نادرست مانند مال دوستی، جاه‌طلبی، شهرت‌طلبی، برتری‌جویی و فخرفروشی سبب می‌شود انسان از مسیر صحیح حرکت علمی خارج شده و در این مسیر جز خسران و زیانکاری برایش حاصل نشود. اباصلت می‌گوید؛ خدمت امام رضا علیه‌السلام عرض کردم:





از حضرت صادق علیه السلام برای ما روایت شده است که «اگر کسی علم و دانش را از آن جهت بخواهد که با دانشمندان دیگر به ستیز درافتد و یا بر سفیهان و سبک مغزان بتازد و یا برای جلب نظر مردم از آن استفاده کند، جایگاه خویش را در آتش جهنم آماده ساخته است». امام فرمود: «جدم درست فرموده‌اند.»^۱ (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۰۷) از سوی دیگر اگر هدف از انجام مناظره روشن شدن حقیقت و برطرف شدن شبهات و تبیین مشترکات و مواضع وفاق باشد، طرفین مناظره باید همواره به این امر توجه داشته باشند و با دیدن خود در محضر خداوند^۲، از مسیر انصاف و حقیقت‌طلبی خارج نشوند؛ چراکه در غیر این صورت نه تنها هیچ فایده علمی بر مناظره مرتب نمی‌شود، بلکه نتایج سوء و بدی از جمله کینه‌توزی‌ها، لجاجت‌ها و بدبینی‌ها و غیره را در بر خواهد داشت؛ چنانچه امام باقر علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«ادْفَعْ عَنْ نَفْسِكَ حَاضِرَ الشَّرِّ بِحَاضِرِ الْعِلْمِ وَ اسْتَعْمِلِ حَاضِرَ الْعِلْمِ بِخَالِصِ الْعَمَلِ؛ شر موجود را از خود به وسیله دانش حاضر دفع کن، و علم حاضر خود را با عمل خالص بکار بند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ص ۱۶۳)

اگر می‌خواهی به علمی دست یابی که دفع‌کننده شر است، نه علمی که خودش شر می‌آفریند، باید عمل خویش را خالص کنی، بنابراین مناظره با نیت فخرفروشی و مباحات به مردم و یا هر انگیزه به غیر از انگیزه الهی، ثمره‌ای جز جهل و آسیب‌های دیگری که بیان شد، در بر نخواهد داشت. از امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانشان و به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین روایت شده است که «قدر علم این است که از خداوند بترسی و به علم و فضیلت خود عمل کنی و از جهالت برای تو همین کفایت است که به علم خویش فخر و مباحات کنی.» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۵۵)

۱. شبیه این روایت از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است؛ رک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، ۳۸؛ کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۷.

۲. «وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (الشوری: ۲۲-۲۳)؛ «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (البقرة: ۱۱۳).

۲-۳. بهره‌مندی از دانش و تخصص لازم

احادیث متعددی از امام رضا علیه السلام پیرامون کسب معرفت، علم و دانش به نقل از پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فراگیری دانش را وظیفه هر مسلمانی برمی‌شمارد و حکمت و دانش را گمشده انسان مؤمن معرفی می‌کند. (رک: طوسی، ۱۴۱۴: ص ۵۶۹ و ۶۲۵؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ص ۱۷۱؛ ج ۲: ص ۹۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ص ۲۷-۲۸) اساس مناظره‌های علمی بر فضیلت دانش و معرفت بنیان نهاده شده است. در بسیاری از آیات قرآن کریم گفتگو و مناظره بدون علم مورد مذمت و نکوهش خداوند متعال واقع شده است. از جمله این آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ﴾؛ و بعضی از مردم کسانی‌اند که بدون هیچ دانشی، درباره خدا مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند. (حج: ۳) در این آیه شریفه مجادله بدون علم و آگاهی مذمت شده است. در آیه دیگر چنین آمده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾؛ و بعضی از مردم کسانی‌اند که بدون هیچ دانش و بی‌هیچ هدایت و کتاب روشنگری، درباره خدا مجادله می‌کنند. (حج: ۸) در این آیه شریف نیز کسانی که با تعصب و بدون علم و آگاهی و با پیروی از هواهای نفسانی به مجادله و گفت‌وگو در مورد خداوند می‌پردازند؛ مورد سرزنش واقع شده‌اند.

این‌ها کسانی است که از نور هدایت دور شده و از شیاطین پیروی می‌کنند. در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جِئْتُمْ بِمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ هان، شما همانهایی هستید که درباره آنچه به آن علمی داشتید محاجه کردید، پس چرا درباره آنچه به آن علمی ندارید محاجه می‌کنید؟ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (آل عمران: ۶۶)

مناظره و گفت‌وگوی بدون علم، موجب خشم و غضب الهی است؛ چنانچه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: ﴿مَنْ جَادَلَ فِي خُصُومَةٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ



حَتَّى يَنْزِعَ»؛ هر کس بدون اطلاع و علم کافی در مسئله‌ای با دیگری مجادله و بحث کند تا زمانی که از جدال دست نکشیده است، مورد خشم و غضب الهی است.» (پاینده، ۱۳۸۲: ص ۷۴۲) در مورد دانش امام رضا علیه السلام از اسحاق بن موسی بن جعفر چنین نقل شده است که:

«پدرم به فرزندانش می فرمود: این برادر شما علی عالم آل محمد است، مسائل خود

را از وی پرسید و مطالب او را نگهداری کنید.» (طبرسی ۱۴۱۷، ج ۲: ص ۶۴)

همچنین از ابراهیم بن عباس صولی در مورد علم حضرت چنین نقل شده است که هیچ گاه ندیدم از امام رضا علیه السلام سؤالی بشود که حضرت پاسخش را نداند. مأمون بارها او را در مور موضوعات مختلف می آزمود و امام هر بار با تمسک به آیات قرآن کریم، به طور کامل به او پاسخ می داد. هیچ کس را داناتر از علی بن موسی الرضا ندیدم و هیچ دانشمندی را ندیدم جز این که به آنچه من می گویم شهادت دهد. (امین، ۱۳۷۶، ج ۵: ص ۱۴۷)

فضائل علمی اهل بیت علیهم السلام به گونه‌ای است که دشمنان ایشان با تمام کینه‌ها و خصومت‌ها زبان اعتراف به تمجید و تحسین می گشودند. مأمون در طول مدت زمامداریش بارها به فضائل امام رضا علیه السلام اعتراف می کند. مأمون در مورد علم امام رضا چنین می گوید:

«مَا أَعْلَمُ أَحَدًا أَفْضَلَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛ من کسی داناتر و برتر ایشان بر روی زمین سراغ ندارم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۴۵؛ مفید، ۱۴۱۳ «ب»، ج ۲: ص ۲۵۹؛ شامی، ۱۴۲۰: ص ۶۷۹)

خباثت دشمنان اهل بیت علیهم السلام تا حدی بوده است که گرچه خود معترف به فضائل خاندان رسالت و نبوت‌اند؛ اما به دلیل حفظ منافع شخصی و موقعیت اجتماعی خویش مذبح‌خانه تلاش می کردند که به گونه‌ای این فضائل را کتمان کنند و مخفی نگاه دارند و یا به گونه‌ای در راستای منافع شخصی خود از آن بهره ببرند. زمانی که ابن ابی ضحاک از رفتار، کردار و فضائل امام به مأمون گزارش می دهد، وی به او



چنین می گوید: ای پسر ابی ضحاک! این مرد بهترین خلق روی زمین و علمش از همه بیشتر و عبادتش افزون تر و درست و بجاتر است، پس آنچه از وی دیده‌ای را به احدی بازگو مکن تا فضل و بزرگواریش بر کسی ظاهر نگردد. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ص ۹۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۲: ۱۷۲)

از این گذشته امام رضا علیه السلام به علوم و زبان‌های مختلف آگاه بودند و در مناظرات با زبان خودشان و با استناد و استدلال به منابع علمی خصم دلایل آن‌ها را باطل و آن‌ها را مغلوب دانش بی‌کران خود می‌نمودند. چنانچه امام در جواب حسن بن محمد فرمود:

«نوفلی می‌دانی مأمون چه وقت پشیمان می‌شود؟ گفتم آری. فرمود: وقتی بشنود که با اهل تورات توراتشان و با انجیلیان با انجیل خود آن‌ها و با اهل زبور به وسیله زبور و با ستاره پرستان با زبان عبری و با زردشتیان به زبان فارسی و با رومیان با زبان رومی و با مذهب شناسان مختلف به زبان خودشان استدلال نمایم. وقتی همه را مغلوب نمایم و استدلالشان را باطل کنیم و حرف خود را پس بگیرند و سخن مرا پذیرند، آن وقت می‌فهمد که مسندی که بر آن تکیه نموده استحقاق ندارد در این موقع پشیمان می‌شود.» (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ص ۳۰۱، طبرسی ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۴۱۶)

بنابراین یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات اخلاقی - حرفه‌ای قبل از مناظره، آگاهی و تخصص است. طرفین مناظره باید در حوزه و مسئله مورد بحث از توانایی لازم علمی برخوردار باشند؛ چراکه طرح مطالبی که انسان از آن‌ها آگاهی لازم و کافی ندارد و یا اظهار سخنانی که به ظاهر سطح دانش انسان را فراتر از آنچه که هست نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین عامل به جود آمدن شایعات و شبهه‌ها و اختلافات جدید می‌باشد. همچنین زمینه‌های خود خودفریبی علمی و فخر فروشی و برتر بینی را نزد فرد فراهم می‌آورد و مناظره علمی را از مسیر صحیح و نیل به اهداف مدنظر باز می‌دارد.





۴. ارزش‌ها و اصول اخلاقی حین مناظره

۴-۱. صداقت و راستی:

صداقت و راستی را می‌توان شالوده تمام صفات نیکو و یکی از برترین صفات و نشانه‌های مؤمنان و پرهیزگاران دانست. خداوند متعال در قرآن کریم درباره راست‌گویان چنین می‌فرماید: ﴿هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾؛ این روزی است که راستی‌پیشگان را راستی‌شان سود می‌بخشد. برای آنان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] نهرها جاری است...» (مائده: ۱۱۹) در کلام اهل بیت علیهم‌السلام نیز به این فضیلت اخلاقی توجه ویژه‌ای شده است. در روایتی از فضل بن شاذان نقل شده است که وی از امام رضا علیه‌السلام می‌خواهد تا پیام اسلام را به صورت مختصر و موجز برای او بنویسد. حضرت پس از شهادت به یکتایی خداوند و رسالت و خاتمیت پیامبر و وصایت و ولایت امیرالمؤمنین علی و سائر ائمه علیهم‌السلام تا حضرت حجت علیه‌السلام، به بیان برخی از مهم‌ترین اصول اخلاقی می‌پردازند که عبارت‌اند از: ورع، عفت، صدق و راستی، صلاح و خیرخواهی، استقامت، اجتهاد و اداء امانت. (صدوق، ۱۳۷۸: ص ۱۲۲) در روایتی دیگر از امام رضا علیه‌السلام خطاب به حضرت عبدالعظیم چنین آمده است که:

«ای عبدالعظیم به دوستان ما از جانب ما سلام برسان و به آنان بگو که راهی برای نفوذ شیطان در خودشان قرار ندهند و آنان را به راست‌گویی در سخن و ادای امانت امر کن. همچنین به آنان امر کن که سکوت کنند و در آنچه برای آنها فایده‌ای ندارد، جدال و گفتگو را ترک کنند.» (مفید، ۱۴۱۳ «الف»: ص ۲۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ص ۲۳۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ص ۱۰۲)

بنابراین راست‌گویی و صداقت از مهم‌ترین اصول و ارزش‌های اخلاقی است که طرفین گفت‌وگو باید در تمام مراحل مناظره مدنظر داشته باشند، چرا که بدون رعایت آن مناظره علمی از مسیر حقیقت‌جویی خارج می‌شود. دروغ، نیرنگ، فریب، نفاق و دورویی، مردم‌فریبی و بسیاری از رذایل و آسیب‌های اخلاقی دیگر، سبب از بین رفتن بنیان و اساس ارزش‌های اخلاقی در مناظرات علمی است.

۴-۲. عدالت و انصاف:

امام رضا علیه السلام همواره در مناظرات علمی خویش به این نکته توجه داشت که جانب عدل و انصاف رعایت شود و این نکته را به خصم خود نیز گوشزد می‌کرد. تأکید امام بر این مسئله حاکی از این است که اصولاً بدون رعایت این نکته، روند مناظره از هدف و مقصود که کشف حقایق و رفع ابهامات و جهالت‌هاست؛ دور می‌گردد و جز سردرگمی و جهالت بیشتر نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. به‌عنوان مثال حضرت در یکی از مناظرات خویش با شخصی به نام عمران صابی می‌فرماید: «پیرس ولی انصاف را از دست مده و از سخن باطل و فاسد و منحرف از حق پرهیز» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۶۸، همو، ۱۳۹۸: ص ۴۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ص ۱۷۶؛ خسروی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۳۰۳) و یا در مناظره امام و جاثلیق چنین آمده است که وقتی او از امام می‌خواهد تا دو شاهد عادل نصرانی بر نبوت پیامبر شهادت دهند، امام رضا (۷) خطاب به وی چنین می‌فرماید که:

«اکنون انصاف را رعایت کردی ای نصرانی» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۵۷؛ همو، ۱۳۹۸: ص ۴۲۰؛ خسروی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۲۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ص ۳۰۲).

امام رضا علیه السلام در مناظرات و گفتگوها، علاوه بر اینکه خود جانب انصاف و عدالت را رعایت می‌نمود، طرف مقابل را نیز به رعایت این فضیلت اخلاقی توصیه و تشویق می‌کرد. رعایت انصاف و عدالت در هنگام گفتگو و مناظره علاوه بر این که به ارتقاء سطح مناظره و جذابیت آن کمک می‌کند، تنش‌ها و دشمنی‌ها را می‌زداید و مناظره را به گفت‌وگویی ثمربخش و موفق تبدیل می‌سازد به‌نحوی که اختلافات و کج‌فهمی‌ها را از بین برده و دوستی و محبت و همبستگی را به ارمغان می‌آورد. چنانچه در روایتی از امیر بیان، امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین آمده است که: «الْإِنصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَ يُوجِبُ الْإِثْلَافَ؛ انصاف اختلاف را زایل می‌کند و باعث الفت و همبستگی می‌شود.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۸۸)



۴-۳. فروتنی:

فروتنی در برابر انسان در سائر روابط اجتماعی و از جمله روابط گفتاری، نشان از خودساختگی و پاکی درونی فرد است. تواضع در گفتگوهای علمی سبب ایجاد تعامل و جذب طرف مقابل و در نهایت تسخیر قلوب دیگران می‌شود. خودبینی، خودبزرگ‌بینی، خودستایی و خودبرتربینی از رذایل نفسانی هستند که از خوی استکباری و شیطانی نشأت می‌گیرند. (احمدی، ۱۳۸۸: ص ۸۳) امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «بِالتَّوَّاضِعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرَّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ؛ با فروتنی و تواضع امید بلندمرتبگی و عزت نزد خداوند متعال دارم.» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۳۹؛ همو، ج ۱: ص ۲۳۷؛ همو، ۱۴۰۰: ص ۶۹)

از ابراهیم بن عباس نقل شده است که هرگاه امام رضا علیه السلام تنها بود و برای او غذا می‌آوردند آن حضرت غلامان و خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره‌اش می‌نشاند و با آنها غذا می‌خورد. همچنین از یاسر، خادم امام نقل شده است که گفت: چون آن حضرت تنها می‌شد؛ همه خادمان خود از بزرگ و کوچک را جمع می‌کرد و با آنان سخن می‌گفت و انس می‌گرفت. کلینی در کافی به سند خود از مردی بلخی روایت می‌کند که گفت: با امام رضا علیه السلام در سفر به خراسان همراه بودم. پس روزی خواستار غذا شد و خادمان سیه‌چرده خود را نیز بر سفره خود نشاند. یکی از یارانش به او عرض کرد: ای کاش غذای اینان را جدا می‌کردی. امام فرمود: پروردگار تبارک و تعالی یکی است و مادر و پدر همه یکی؛ و پاداش‌ها بسته به اعمال و کردارهاست. (عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ص ۱۴۹)

تواضع و فروتنی چنانچه برای هر فرد یک ارزش اخلاقی به حساب می‌آید، برای اهل علم و دانش که بیشتر در معرض خودبینی و تکبر، بزرگ‌بینی و استبداد رأی هستند، از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است. انسان عالمی که متواضع است؛ قول حق را به راحتی می‌پذیرد، اگرچه آن سخن از زبان شخص پست و یا کودک‌کی صادر شده باشد. درحالی که تکبر مانع از فراگیری علم و بهره از اهل علم و معرفت



شده و قبول قول حق می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «طالبان علم سه دسته هستند؛ آن‌ها را بشناسید. دسته‌ای برای جدال و سخن‌رانی‌های جاه‌طلبانه علم را فرامی‌گیرند و این‌ها در واقع جاهلانی هستند که لباس علماء را در بر کرده و به صورت آن‌ها درآمده‌اند. گروهی علم را برای تکبر و سواری گرفتن از مردم می‌آموزند و جماعتی هم برای فقه و درک مسائل دنبال علم و کمال می‌روند. آن کسی که برای جدال و مباحثه علم فراگرفته او مردی موذی و مضر است و جاهلی است به صورت عالم. او در اجتماعات شرکت می‌کند و با مطالب علمی و ادبی مردم را مشغول می‌نماید و خود را حلیم و بردبار و خاشع و فروتن نشان می‌دهد، در صورتی که اصلاً تقوی ندارد. خداوند این عالم را رسوا می‌کند و دماغش را می‌کوبد. کسی که برای تکبر علم فرا می‌گیرد و با افرادی نظیر خود به گفتگو مشغول می‌شود، برای توانگران تواضع می‌کند و از لذت‌ها و حلاوت مجالس آن‌ها برخوردار است؛ خداوند دیده بصیرت او را کور می‌کند و آثار او را از میان علماء می‌برد.» (طبرسی، ۱۳۷۴: ص ۱۳۱) بنابراین یک نکته کلیدی و اساسی در ارتباط و گفتگوهای موفق و به‌خصوص گفت‌وگوهای علمی، تواضع و فروتنی طرفین است که سبب کسب روحیه حق‌پذیری و دانش‌افزایی می‌شود.

۴-۴. بردباری و سعه صدر:

در یکی از مناظرات امام رضا علیه السلام زمانی که سلیمان مروزی برای چندمین بار ادعای غلط خویش را تکرار می‌کند؛ مأمون به او می‌گوید: وای بر تو ای سلیمان! چقدر این حرف غلط را تکرار می‌کنی؟! این سخن را قطع کن و به سراغ مطلب دیگری برو چون نمی‌توانی جواب دیگری بدهی، اما امام با کمال احترام فرمودند: رهائش کن! صحبتش را قطع نکن و بعد از سلیمان خواستند که کلامش را ادامه دهد. (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۵۰؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۸۸) امام در حقیقت با صبر و حوصله خویش چندین بار به سلیمان فرصت می‌دهند تا سخن بگوید و دلایل



خویش را به وجوه مختلف بیان نماید تا اینکه خود به جایی برسد که حقیقت را بشناسد و در برابر آن تسلیم شود. با اینکه سلیمان در این مناظره چندین مرتبه مطالب اشتباه خود را تکرار می کرد و به دفعات دچار تناقض در گفتار شده بود، امام با صبر و متانت با او سخن می گفت و به او این فرصت را می داد تا سؤال خویش را دوباره مطرح کند تا این که در نهایت با پاسخ های محکم و قطعی امام نشانه های عجز و شکست بر صورت سلیمان ظاهر گردید و او در برابر اقیانوس علم و شایستگی امام حیران شد و سکوت اختیار کرد. مأمون رو به او کرد و بحث امام را ستود، گفت: ای سلیمان، او داناترین هاشمی است. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ص: ۱۹۲-۲۰۰)

۵. آداب علمی و هنجارهای رفتاری در مناظره

۵-۱. حسن استماع و دریافتن مقصود مخاطب:

در گفت و گوهای علمی که در حقیقت هدف، بیان درستی ها و نادرستی های یک اندیشه است؛ طبیعتاً نخستین شرط این کار، آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد. نقد بدون فهم و رد بدون درک، نشانه گستاخی جاهلانه و حق ناشناسی نقاد است.

هیچ کس اخلاقاً مجاز نیست پیش از فهم درست و دقیق یک مدعا و به صرف داشتن تصویری مبهم و اجمالی از یک نظریه به نقد آن پردازد. شاید بتوان گفت بسیاری از اختلافات میان اندیشمندان مختلف از همین جا ناشی می شود. (شریفی، ۱۳۸۴: ص ۸۷) البته در اینجا نکته قابل توجه دیگر نیز وجود دارد. طرفین مناظره که اندیشه و گفتار یکدیگر را نقد می کنند؛ نباید فوراً یکدیگر را به عدم فهم مطالب خود متهم کند؛ آفت بزرگی که متأسفانه در عرصه نقد و نقادی و مناظرات علمی به وفور مشاهده می شود. (همان، ص: ۸۸)

برای فهم سخن طرف مقابل، طرفین مناظره باید خوب به سخنان یکدیگر گوش فرا دهند و فکر و ذهن خود را به آنچه بیان می شود؛ معطوف کنند و قبل از پایان



یافتن سخن و یا سؤال گوینده، کلام او را قطع نکنند. امام رضا علیه السلام در مناظرات خویش این نکات را رعایت و در برخی از موارد نیز به طرف مقابل گوشزد می کردند. در مناظره ایشان با عمران صابی، امام می فرماید: پاسخ سؤال را می دهم ولی خوب دقت کن و گوش فرا بده و در آنچه پرسیدی خوب تأمل و تعقل کن، زیرا که این سؤال از مشکل ترین مسائلی است که بر مخلوقین وارد می شود و کسی که عقل او متفاوت باشد یعنی حواس او جمع نباشد، آن را نمی فهمد و لیکن صاحبان عقل و تفکر که انصاف داشته باشند از فهم آن عاجز نیستند. (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۳۹؛ همو، ۱۳۷۸: ص ۱۳۷۸) بنابراین در موقع مناظره، به ویژه در مناظرات علمی طرفین باید ذهن و حواس خود را بر شنیدن سخن یکدیگر معطوف و متمرکز کنند و علاوه بر این کلام یکدیگر را قطع نکنند تا مناظره به جدال و منازعه کشیده نشود.

۵-۲. سخن گفتن به اندازه فهم مخاطب

اصولاً توجه به مخاطب و فهم در مناظرات امام رضا علیه السلام نقش ویژه ای داشته است. امام همواره بر سخن گفتن با مردم به اندازه فهم آنها تأکید می کند: ﴿وَيَكَلِّمُ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفَىٰ عَمَّا يُكْرَهُونَ﴾؛ و با مردم به آنچه می شناسند سخن گوید و از آنچه انکار می نمایند و نمی دانند باز ایستد.

در این حدیث امام علیه السلام به این نکته اشاره می کند که هنگامی که مردم در گفتگوهای خویش از مسائل پیچیده و غامضی مثل توحید و صفات الهی سؤال می کنند، پاسخ گو باید به اندازه فهم و درک آنها پاسخ بگوید. از این گذشته گاهی از اوقات در چنین مسائلی امام به پاسخ های ساده و مناسب فهم و اجماع عموم استناد می نمود، چنانچه در سؤال از توحید، امام می فرمودند که آیات سوره توحید را در پاسخ به مردم و در پاسخ از کیفیت صفات الهی آیه شریفه ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ بخوانید.

(صدوق، ۱۳۹۸: ص ۹۵؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ص ۷۰۷)



این در حالی است که امام در مناظره خویش با یکی از دانشمندان کلامی به نام سلیمان مروزی پیرامون اراده الهی و سائر صفات خداوند به تفصیل گفتگو و با دلایل عقلی و نقلی خصم خود را ساکت می‌نمایند. (صدوق، ۱۳۷۸: ص ۱۸۳-۱۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ص ۷۴-۷۸) در مناظره باید شأن و جایگاه علمی مخاطب و افراد دیگری که شاهد مناظره هستند، در نظر گرفته شود و از همین جهت است که در روایات فراوان باید با افراد گوناگون به اندازه فهم و ظرفیت علمی آن‌ها سخن گفت؛ چنان که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ما کَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُؤْمِنُ أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز با کنه عقلش با خلاق سخن نگفت. پیامبر فرمود: همانا ما گروه پیامبران مأمور هستیم که با مردمان سخن نگوئیم مگر به اندازه عقل ایشان» (کلینی ۱۴۰۷، ج ۸: ص ۲۶۷)

بنابراین در مناظرات علمی تخصصی در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه مناظره‌هایی که از رسانه‌های عمومی پخش می‌شود، همواره باید به این نکته‌ها و ظرافت‌ها توجه شود و مناظره کنندگان مسائلی را مطرح نکنند که فهم آن برای عامه سخت و پیچیده است و سبب القاء شبهه در سطح کلان جامعه و ساده‌ترین مسائل اعتقادی عامه مردم می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۳. دلیل و منطق داشتن دعاوی و مستند گویی:

اقامه استدلال یعنی طرح یک ادعا و بیان ادعاهای دیگر برای قبول و اثبات آن؛ بنابراین هر استدلالی از مجموعه‌ای از ادعاها تشکیل می‌شود که باید یکی از آن‌ها به وسیله ادعاهای دیگر تأیید شود. (رانلد مانسون، ۱۳۹۱: ص ۱۹) عقل و منطق ریشه در نهاد و فطرت آدمی دارند و آنچه مطابق با آن‌ها باشد؛ به‌طور غریزی مورد پذیرش آدمی در مجامع علمی و غیرعلمی قرار می‌گیرد. اندیشمندانی که از نگرش‌های غیردینی و البته اندکی انصاف برخوردارند، نیز هرگز در برابر گزاره‌های عقلی و



اندیشه‌هایی که منطبق با عقل و منطق هستند، ایستادگی نکرده و آن را می‌پذیرند. پیشوایان دینی نیز با توجه به همین ویژگی و با ادله منطقی و عقلی در میدان مناظره با افکار فاسد به مبارزه می‌پرداختند و طرف مقابل خویش را به سوی یک بن‌بست فکری سوق می‌دادند. (انصاری پور، ۱۳۹۴: ص ۱۱۰-۱۱۱)

امام رضا علیه السلام نیز در مناظرات علمی خود به مراتب از استدلال‌های عقلی برای اثبات مدعیات دینی بهره برده‌اند. بازگشت بسیاری از این استدلال‌ها به اصول اولیه عقلی همچون استحاله اجتماع نقیضین و غیره می‌باشد. به عنوان نمونه هنگامی که سلیمان مروزی به ایشان عرض می‌کند که اراده خداوند عین ذات خداوند نیست؛ ولی اراده او چیزی غیر از ذات خداوند هم نیست، امام در پاسخ به او چنین می‌فرماید که: هنگامی که می‌گویید اراده خداوند عین ذات او نیست، بایستی چیزی غیر از او باشد و هنگامی که می‌گویید اراده چیزی غیر از ذات خداوند نیست، نتیجه آن می‌شود که اراده خداوند عین ذات او است. (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۵۳؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۹۰)

در این استدلال امام با تکیه بر اصل بدیهی عقلی یعنی محال بودن اجتماع نقیضین، بر طرف گفت‌وگوی خویش احتجاج و استدلال می‌آورد که عینیت و غیریت دو امر نقیض‌اند که رفع هر دو موضوع ممکن نیست؛ زیرا اگر موجودی عین موجود دیگر نباشد، ناچار باید غیر آن باشد و نیز اگر موجودی غیر موجود دیگر نباشد به ناچار باید عین آن موجود باشد. نمی‌توانیم هر دو طرف عینیت و غیریت را باهم سلب کنیم؛ چرا که رفع نقیضین محال است. (عباس نژاد، ۱۳۹۲: ص ۳۲) امام رضا علیه السلام در برابر علمای سائر فرق همواره با صبر و حوصله به سخنان و اشکالات آن‌ها گوش فرا می‌داد و پس از آن با ذکر دلیل و سند متقن به آن‌ها پاسخ می‌گفت و مانع از مکابره و لجاجت ورزی آن‌ها می‌شد. (کارخانه، ۱۳۹۲: ص ۱۰۵)

امام در مناظرات خود به گونه‌ای منطقی بحث را مطرح می‌کرد تا تمام راه‌ها بر مخالف بسته شود و سرانجام با ارائه ادله محکم طرف مقابل خویش را قانع می‌نمود.



بهترین نمونه از استدلال‌ها و تحلیل‌های عقلی امام را می‌توان در مناظره امام با عمران صابی متکلم متعلق به مذهب صائبان مشاهده کرد. در موضعی از این مناظره که از حسن بن محمد نوفلی روایت شده، چنین آمده که عمران خطاب به آن حضرت گفت: «آیا خداوند که وجود او ثابت بود، نزد خودش وجودش معلوم بود» و حضرت در جوابش فرمود: «که علم پیدا کردن نزد خلق به جهت نفی خلاف آن است که جهل باشد. پس باید جهلی وجود داشته باشد تا با نفی آن علم حاصل شود و این در حالی است که نسبت به خداوند جهلی تصور نمی‌شود که مخالف با علم او باشد و از این روی حاجت داشته باشد که این جهل را با تشخیص معلومات خویش نفی کند و از بین ببرد.» (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۳۱؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۷۰؛ سلمان نژاد و پاکتچی، ۱۳۹۲، ج ۲: ص ۴۱۰-۴۱۱)

همچنین امام در مناظرات خویش با توجه به مبانی مورد قبول خصم و استناد به منابع دینی آن‌ها، به گفت‌وگو می‌پرداختند و از این طریق ایشان را به قول حق و نور هدایت رهنمون می‌ساختند. به عنوان مثال در مناظره امام با جاثلیق می‌فرماید: ای جاثلیق، آیا تو یوحنا دیملی را قبول داری؟ وی یوحنا را به عنوان محبوب‌ترین فرد نزد حضرت عیسی یاد می‌کند.

پس از آن امام با شاهد گرفتن نسطاس رومی و رأس الجالوت یهودی، با ذکر آیاتی از انجیل پیرامون رسالت حضرت محمد ﷺ، از جاثلیق اقرار و اعتراف می‌گیرد و ادعای خویش را ثابت می‌کند تا این که در پایان وی به علم و دانش امام اعتراف می‌نماید. (رک: صدوق، ۱۳۸۹: ص ۴۲۰؛ همو، ۱۳۷۸: ص ۱۵۷) بنابراین در مناظره‌های علمی که هدف کشف حقیقت است، طرفین باید برای تبیین نظر خود از دلایل و مستندات عقلی استفاده کنند و به منابع خصم خویش نیز تسلط علمی کافی داشته باشند؛ تا بتوانند در صورت نیاز با استناد به مقبولات طرف مقابل خود، حقیقت را به درستی اثبات کنند و از بحث‌های بیهوده که جزء اتلاف زمان نتیجه‌ای در بر ندارد بر حذر باشند.



۵-۴. احترام و تکریم:

یکی دیگر از ارزش‌های رفتاری و ارکان مهم در ایجاد مناظره سالم و نتیجه‌بخش، احترام متقابل است. احترام به معنی ارزش و اعتبار و حفظ کرامت انسان‌هاست به گونه‌ای که از سبک کردن و پایین آوردن منزلت و شخصیت آن‌ها پرهیز شود. حرمت‌شکنی مخاطب حتی در نحوه صدازدن و یا در گونه نگاه کردن حالت روانی را برای مخاطب ایجاد می‌کند که سبب می‌شود سخنان گوینده را نپذیرد و علاوه بر آن خشم و تنفر را نسبت به او برمی‌انگیزد؛ بنابراین حفظ حرمت و ادب حتی در جایی که طرف مقابل آن را رعایت نمی‌کند، امری ضروری می‌نماید. (ایروانی، ۱۳۹۳: ص ۱۵) انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مناظرات خود جانب احترام و ادب را نگه می‌داشتند و حتی در صورت بی‌ادبی خصم، با سعه صدر و رعایت کامل احترام با آن‌ها برخورد می‌کردند و همین ادب و احترام و اخلاق بزرگ‌منشانه در بسیاری از موارد، سبب تأثیر در مخاطب و پذیرش حق از سوی آنان می‌شد.

در مناظره امام رضا علیه‌السلام با سلیمان مروزی، وقتی که حضرت با بیان قاطع، دلایل سلیمان را رد نمودند و تناقض‌گویی وی آشکار شد، همه حاضران در جلسه و از جمله مأمون خندیدند، ولی امام از مردم خواستند که نسبت به سلیمان رفیق و مدارا و ملایمت به خرج دهند. (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۴۵؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۸۳؛ شریف قرشی، ج ۱: ص ۱۹۵) علاوه بر این امام در مناظره فرصت را در اختیار طرف مقابل خویش می‌گذاشت و با تکریم و احترام اجازه می‌داد تا سؤالات خود را پرسد و حتی خود ایشان گاهی بر فهم مطلب تأکید نموده و می‌فرمود: «باز سؤال را ادامه بده» (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۴۵۱؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۸۹)

اگر هدف از مناظرات علمی در عرصه‌های مختلف، کشف حقیقت و روشن شدن پیچیدگی‌های علمی باشد، دیگر دلیل برای بی‌احترامی و سخنان ناشایست وجود ندارد. در چنین مناظره‌ای هیچ‌گاه الفاظ و کنایات اهانت‌آمیز ردوبدل نمی‌شود تا موجب برانگیخته شدن احساسات منفی و کینه‌توزی گردد، بلکه طرفین



همواره با تکریم و گرامیداشت یکدیگر بدون در نظر گرفتن سائر عناوین مانند کیش، آیین، مذهب، ملیت، قومیت و جنسیت به آرامی و با لحنی متین سخن می‌گویند و به سخنان یکدیگر گوش فرا می‌دهند.



نتیجه گیری:

در فرهنگ اسلامی که پیامبر و اهل بیت علیهم السلام مهم ترین الگوها و اسوه های زندگی سعادت بخش در همه حوزه های الهی، فردی و اجتماعی هستند؛ می توان با تحقیق و تفحص در سیره علمی و عملی آن حضرات، به مدل های بدیعی برای سبک زندگی صحیح بشریت در عرصه های مختلف دست یافت. مناظره علمی که در حقیقت روش ارتباطی مؤثری برای بیان دیدگاه های علمی، روشن شدن حقیقت، تبیین نقاط و مواضع مشترک علمی و پاسخ به شبهات باطل است، تنها در صورتی که بر اساس چنین مدل الهی صورت بگیرد؛ می تواند راهکار و روش مناسبی برای نیل به چنین اهدافی باشد و در غیر این صورت نتیجه ای جز خصومت و دشمنی، اهانت و تحقیر، خودستایی و فخرفروشی و بسیاری از رذایل اخلاقی دیگر، در برنخواهد داشت. در مدلی که از کاوش در مناظرات امام رضا علیه السلام و سیره علمی و عملی آن حضرت به دست می آید؛ در یک چهارچوب کلی در حوزه الزامات اخلاقی - حرفه ای قبل از مناظره، مهم ترین ارزش های اخلاقی حاکم بر مناظره؛ از یک سو نیت و انگیزه درست و از سوی دیگر علم، دانش و تخصص است. در حوزه الزامات اخلاقی - حرفه ای حین مناظره، صداقت و راستی، عدالت و انصاف، تواضع و فروتنی و شرح صدر و بردباری از محوری ترین ارزش ها و اصول اخلاقی هستند که باید بر فضای مناظره و بر همه شئون آن حاکم باشند.

با رعایت این الزامات در مناظره، طرفین از لغزش و گرفتار شدن در دام بسیاری از رذایل اخلاقی از جمله تکبر، تعصب، غرور، خودستایی، فخرفروشی و مباحثات مصون می مانند. در بعد سوم که آداب علمی و هنجارهای رفتاری حین مناظره را تشکیل می دهد؛ الزامات اخلاقی - حرفه ای مانند حسن استماع و دریافتن مقصود مخاطب، احترام و تکریم، سخن گفتن به اندازه فهم مخاطب، دلیل و منطق داشتن دعاوی، سبب می شود مناظره از مسیر صحیح خود خارج نشده و به محفلی برای مجادله، مغالطه گری و کج روی، زیاده گویی، کینه توزی و اتلاف وقت تبدیل نشود و همچنین سبب القاء برخی از شبهات در سطح کلان جامعه و عموم مردم نگردد.



کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام* چاپ اول، تهران: نشر جهان.
۲. _____، (۱۳۹۸)، *التوحید*، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۳. _____، (بی تا)، *علل الشرائع*، چاپ اول، قم: انتشارات داوری.
۴. _____، (۱۴۰۰)، *أمالی الصدوق*، چاپ پنجم، بیروت: انتشارات اعلمی.
۵. _____، (۱۳۷۲)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، مترجم حمیدرضا مستفید - علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: نشر صدوق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۷. احمدی، حبیب الله (۱۳۸۸)، *امام رضا الگوی زندگی*، چاپ اول، قم: فاطیما.
۸. انصاری پور، صادق (۱۳۹۴)، *مناظره در قرآن*، تهران: رشحات المعارف.
۹. امین، محسن (۱۳۷۶)، *سیره معصومان*، چاپ دوم، تهران: سروش.
۱۰. ایروانی، جواد (۱۳۹۳)، *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی*، مهارت گفتگو، چاپ دوازدهم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۱. بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۱۳)، *عوامل العلوم و المعارف والأحوال*، محقق و مصحح: موحّد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام المهدی (علیه السلام).
۱۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحة*، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.



۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، *اخلاق کاربردی*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. خسروی، موسی (۱۳۷۹)، *احتجاجات*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲)، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، چاپ اول، قم: نشر الشریف الرضی.
۱۹. رانلدمانسون، دیوید ا. کانوی (۱۳۹۱)، *مبانی استدلال*، ترجمه قانونی، تورج، چاپ اول، تهران: ققنوس.
۲۰. رزمجو، حسی (۱۳۷۰)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. رضازاده کهنگی، فریبا؛ فارسی نژاد، علیرضا (۱۳۹۴)، «اصول علمی و اخلاقی مناظره های رضوی»، *مجله فرهنگ رضوی*، سال سوم، شماره ۱۹، ص ۳۷-۵۸.
۲۲. سلمان نژاد، مرتضی، پاکتچی، احمد (۱۳۹۲)، *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا علیه السلام*، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۳. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم*، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۲۴. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۴)، *آیین زندگی*، چاپ اول، قم: دانشگاه معارف.
۲۵. شریفی، عنایت الله؛ دنیادیده، حسین (۱۳۹۲)، «شیوه ها و ویژگی های مناظره امام رضا علیه السلام»، *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*، زمستان، شماره ۲۹۰، ص ۱۰۹-۱۲۲.
۲۶. شریف قرشی، باقر (۱۳۸۲)، *پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام*، ترجمه صالحی، سید محمد، چاپ اول، تهران: اسلامیة.



۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ اول، قم: آل البيت.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق و مصحح: خراسان، محمدباقر، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.
۳۰. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴)، مشکاة الأنوار، ترجمه عطاردی، چاپ اول، تهران، عطارد.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، الأمالی، مصحح: مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
۳۲. عاملی، سید محسن امین (۱۳۷۶)، سیره معصومان، ترجمه حجتی کرمانی، علی، چاپ دوم، تهران: سروش.
۳۳. عباس نژاد، محسن (۱۳۹۳)، امام رضا و مناسبات دین و عقل، چاپ اول، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه.
۳۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ چهارم، قم.
۳۵. عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ عمید، چاپ ۲۱، تهران: امیر کبیر.
۳۶. غفاری، محمد هادی؛ باغبانزاده، محمد رضا (۱۳۹۶)، «شاخص‌های اخلاقی در مناظرات رضوی»، مجله پژوهش نامه اخلاق، شماره ۳۵، ص ۱۰۳ - ۱۲۲.
۳۷. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی طه.
۳۸. کارخانه، علی (۱۳۹۲)، سیره سیاسی امام رضا علیه السلام و تحلیل مسئله ولایت عهدی، قم: بوستان کتاب.



۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴۱. محمودی، مرضیه؛ خاکپور، حسین؛ گلی، مهرناز؛ نوری، ابراهیم (۱۳۹۴)؛ «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه بکارگیری آن در کرسی های آزاداندیشی»، مجله اخلاق زیستی، شماره ۱۵، ص ۱۶۳ - ۱۹۴.

۴۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۲)، بحث آزاد در اسلام چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

۴۳. _____ (۱۳۸۶)، دانش نامه عقاید اسلامی، چاپ دوم، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

۴۴. مجیدی، حسن (۱۳۹۲)؛ «تحلیل گفتمان مناظره های امام رضا علیه السلام»، مجله فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۲، ص ۹ - ۴۰.

۴۵. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، دائرة المعارف فارسی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.

۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، چاپ دوم، قم: انتشارات موسسه امام خمینی علیه السلام.

۴۷. _____ (۱۳۸۶)، فلسفه اخلاق، چاپ سوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

۴۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الاختصاص، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.

۴۹. _____ (۱۴۱۳)، «ب»، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم: نشر کنگره شیخ مفید.



References:

The Holy Quran

1. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad ibn 'Ali (1999), *Uyoun Akhbar Al-Ridha*, First Edition, Tehran: World Publication.
2. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad ibn 'Ali (2019), *Kitāb al-Tawhīd*, First Edition, Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
3. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad ibn 'Ali (n.d.) *Ilal al-sharayi*, First Edition, Qom: Davari Publication.
4. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad ibn 'Ali (1980), *Al-Amali*, Fifth Edition, Beirut: Mu'assissat al-A'lami li-l-Matbu'at.
5. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad ibn 'Ali (1993), *Uyoun Akhbar Al-Ridha*, Tehran, Translated by Hamid Reza Mostafid - Ali Akbar Ghaffari, First Edition, Tehran: Sadough Publishing.
6. Ibn Manẓūr, Muhammad ibn Mukarram (1993), *Lassan al-Arab*, Third Edition, Beirut: Dar Sadr Publications.
7. Ahmadi, Habibollah (2009), *Imam Reza's Pattern of Life*, First Edition, Qom: Fatima.
8. Ansari-pour, Sadegh (2015), *Debate in the Quran*, Tehran: Rashahat al-maaref.
9. Amin, Mohsen (1997), *Sireh Masouman*, Second Edition, Tehran: Soroush Publications.
10. Irvani, Javad (2014), *The Culture of Social Relations in Islamic Teachings, Conversational Skills*, Twelfth Edition, Mashhad: Razavi Islamic University.
11. Bahrani Esfahani, A. (1992), *al-avlemm al-oloum val-maaref va-lahval*, researched and edited by Movahed Abtahi Esfahani, Mohammad Bagher, First Edition, Qom: Imam al-Mahdi Institute Publications.
12. Payandeh, Abolghasem (2003), *Nahj al-Fasahi*, Fourth Edition, Tehran: World Knowledge Publishing.
13. al-Tamimi Al-Amudi, Abdul Wahid (1987), *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim*, investigator: Drayati, Mustafa; Qom: Islamic Propagation Office.
14. Collection of Authors (2009), *Applied Ethics*, Second Edition, Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
15. Hurr 'Āmili, Muhammad bin al-Ḥasan (1988), *Wasā'il al-Shī'a*, first edition, Qom: Al-Albit Institute.
16. Khosravi, Moses (2000), *Alehtajat*, first edition, Tehran: Islamia Publications.
17. Dehkhoda, Ali Akbar (1998), *Dictionary of Dehkhoda*, under the supervision of Dr. Mohammad Moein and Dr. Seyed Jafar Shahidi, Second Edition, Tehran, University of Tehran.
18. Dilmai, Hassan ibn Muhammad (1991), *Arshad al-Quloub ela- al-Sawab*, First Edition, Qom: Al-Sharif al-Razi Publishing.
19. Ronaldmanson, David A. Conway (2012), *Foundations of Reasoning*, Translated by: Ghanouni, Toraj, First Edition, Tehran: Phoenix.
20. Razmjoo, Hossein (1991), *Literary Types and Works in Farsi*, First Edition, Mashhad: Astan Ghods Razavi Publications.
21. Reza-zadeh Kohangi, Fariba; Farsinejad, Alireza (2015), "The Scientific and Ethical Principles of Razavi Debates", *Journal of Razavi Culture*, Third Year, No. 91, pp. 37-58.
22. Salman Nejad, Morteza, Paktchi, Ahmad (2013), *Personality and Life Dimensions of Imam Reza (AS)*, First Edition, Tehran: Imam Sadeq University.

23. Shami, Yusuf ibn Hatam (1420), *aldorr al-Nazeem fei Maaqaeb al-llaemmate al-Hamim*, First Edition, Qom: Teachers' Association.
24. Sharifi, Ahmad Hossein (2005), *The Ritual of Life*, First Edition, Qom: Maaref University.
25. Sharifi, Enayatollah; Doniadiideh, Hossein (2013); "*The Methods and Characteristics of Imam Reza's Prophet's Debate*", Proceedings of Allameh Tabataba'i University, Winter, No. 290, pp109- 122.
26. Sharif Qureshi, Bagher (2003), *A Detailed Study on the Life of Imam Reza (AS)*, Translated by: Salehi, Seyyed Mohammad, , First Edition, Tehran: IslamicPublications .
27. Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein (1996), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Fifth Edition, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Society.
28. Tabarsi, Fazl ibn Hassan (1996), *Ee^lamo al-vara be Aa^lamolhoda*, first edition, Qom: Al-Albit.
29. Tabarsi, Ali bin Hassan (1995), *Meshkat al-Anwar*, Atari's translation, first edition, Tehran: Mercury.
30. Tabarsi, Ahmad ibn Ali (1983), *Al-Ihtijāj 'alā ahl al-lijā* , Researcher and Editor: Khorsan, Mohammad Baqir, First Edition, Mashahad: Morteza Publishing.
31. Tusi, Muhammad bin al-Hassan (1993), *Al-Amali*, edited by: Al-Bassi Institute, first edition, Qom: Dar al-seqqafah.
32. Ameli, Seyyed Mohsen Amin (1997), *Sireh Masouman*, Translated by Hojjat Kermani, Ali, Second Edition, Tehran: Soroush.
33. Abbasnejad, Mohsen (2014), *Imam Reza and Relationships of Religion and Intellect*, First Edition, Mashhad: Quranic Research Foundation University Press.
34. Al-Arusi al-Hawizi, Abdul Ali (1994), *Tafsir Noor al-Thaqalayn*, Edited by: Rasuli Mahallati, Sayyid Hashem, Fourth Edition, Qom.
35. Amid, Hassan (2000), *Amid dictionary* , 21st Edition, Tehran: Amir Kabir.
36. Ghaffari, Mohammad Hadi; Baghbanzadeh, Mohammad Reza (1986), "*Ethical Indicators in Razavi Debates*", Research Journal of Ethics, No. 35, pp. 103 – 122.
37. Frankenha, William Kay (1997), *Philosophy of Ethics*, Hadi Sadeghi's Translation, First Edition, Qom: Taha Cultural Institute,
38. Karkhane, Ali (2013), *Imam Reza's Political practical behavior and Provincial's issues Analysis*, Qom: Boostan Ketab publishers.
39. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1987), *Al-Kafi*, Fourth Edition, Tehran: Dar al-Islam.
40. Majlis, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1983), *Bihar al-Anwar*, second edition, Beirut: Dar ya al ehyya al-Thorath al-Arabi.
41. Mahmoudi, Marzieh; Khakpour, Hossein; Goli, Mehrnaz; Noori, Ebrahim (2015); "*The Ethics of Debates and Ethical Debates in the Razavi Sirae and Its Application in Opinion Seats*", Journal of Biological Ethics, No. 15, p. 163 – 194.
42. Mohammadi Reyshahri, Mohammad (1993), *Free Talk in Islam*, Second Edition, Qom: Propagation Office of Qom Seminary.
43. Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2007), *Encyclopedia of Islamic Beliefs*, Second Edition, Qom: Dar al-Hadith Cultural and Scientific Institute.
44. Majidi, Hasan (2013), "*discourse analysis of Imam Reza,s debates*", Journal of Razavi culture, the first year, No. 2, p9-40.

45. Mosaheb, Gholamhossein (2001), *Persian Encyclopedia*, Second Edition, Tehran: Amir Kabir.
46. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2008), *A Review of Ethical Schools*, Research and Writing by Ahmad Hossein Sharifi, Second Edition, Qom: Imam Khomeini Institute Publications.
47. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2007), *Philosophy of Ethics*, Third Edition, Tehran: International Publishing Company.
48. Mofid, Muhammad ibn Muhammad (1992), *Al-ekhtesas*, Scholar and Examiner: Ghaffari, Ali Akbar and Muharram Zarandi, Mahmoud, first edition, Qom: Al-Mutmar al-Alami Lalafi al-Sheikh al-Mufid.
49. Mofid, Muhammad ibn Muhammad (1992)"B", *Al-Irshād fī ma'rifat hujaj Allāh 'ala l-'ibād*, First Edition, Qom: Sheikh Mufid Congress Publication.
50. Makarem Shirazi, Nasser (2014), *Historical Debates of Imam Reza (AS)*, Fourth Edition, Mashhad: Islamic Research Foundation.
51. Mozafar, Mohammad Reza (2003), *Al-Mantiq*, Qom: Teachers' Association.
52. Mir Sadeghi, Moment (1994), *Dictionary of Poetry Art*, First Edition, Tehran: Mahnaz Book.
53. Nuri, Husayn ibn Muhammad Taqi (1987), *Mustadrak al-wasā'il wa mustanbat al-masā'il*, first Edition, Qom: the Al al-Bayt li Ihya Foundation.

